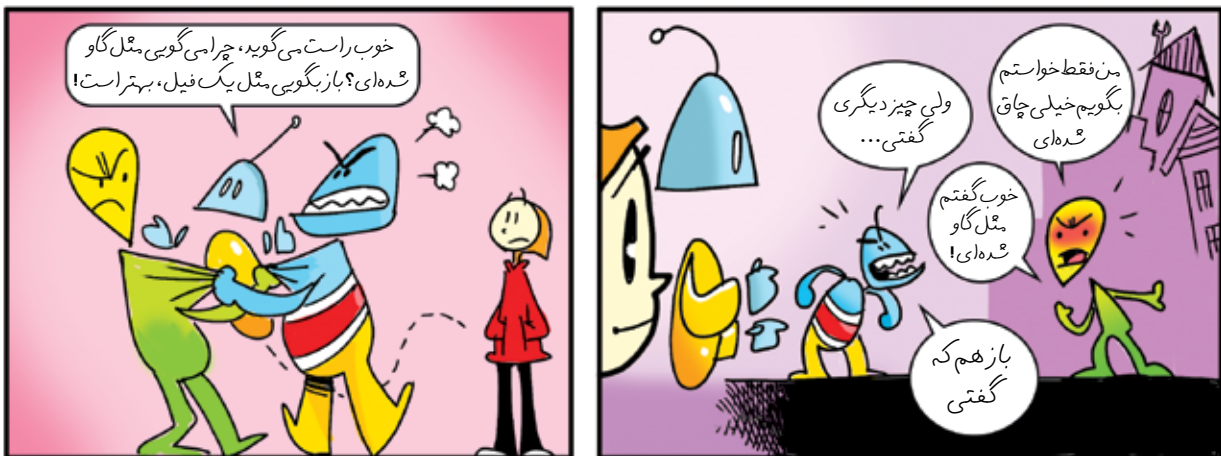
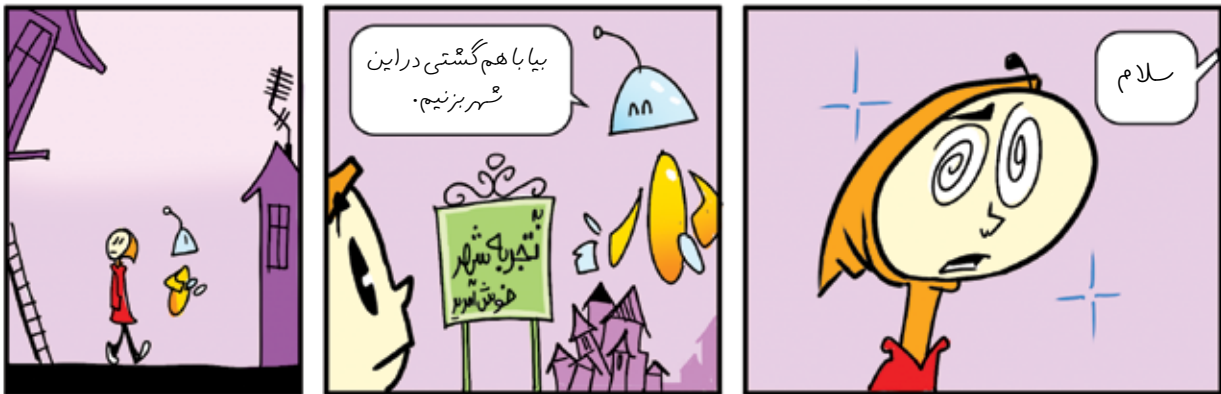
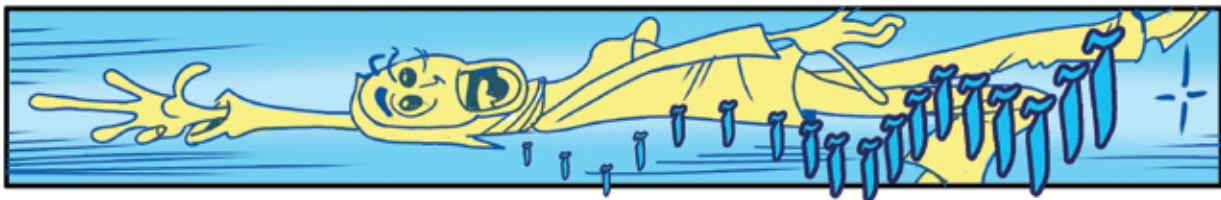
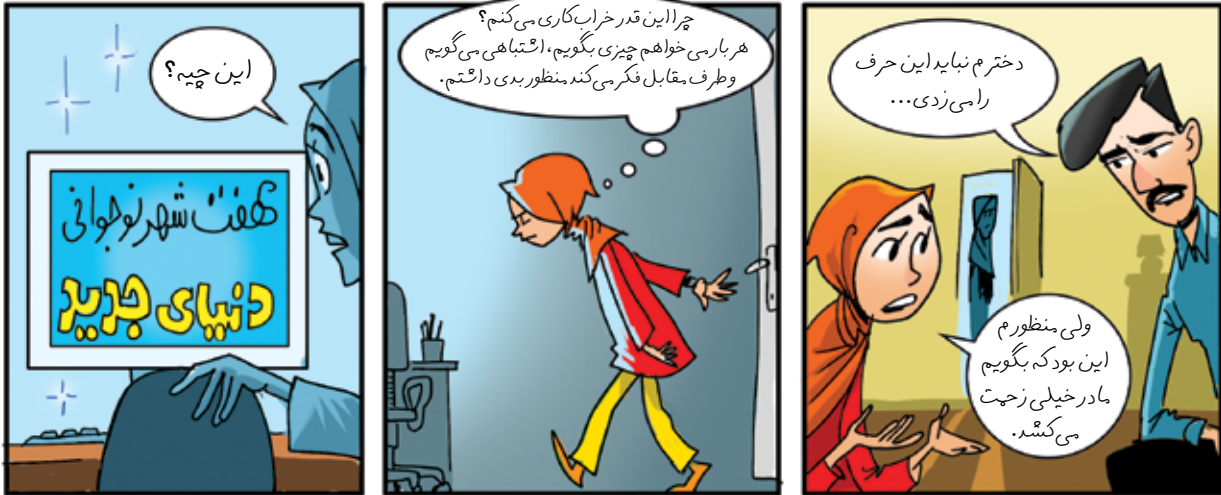
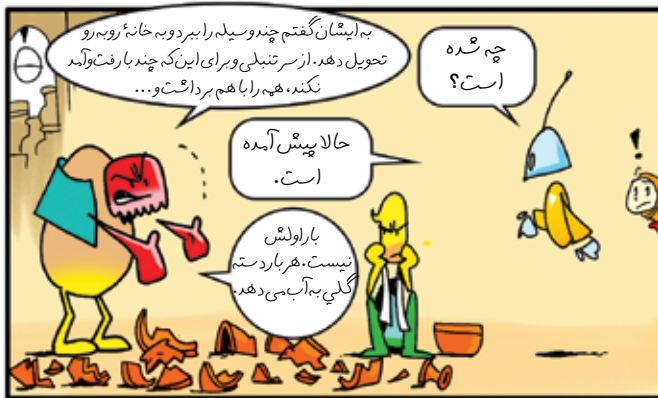
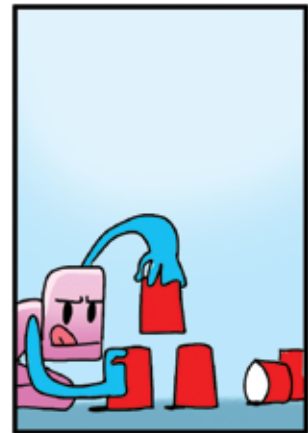
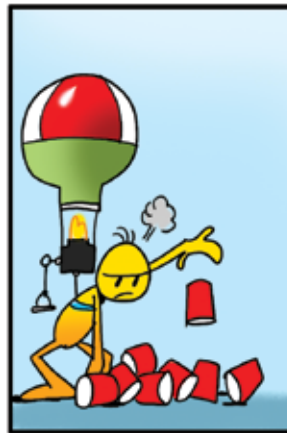
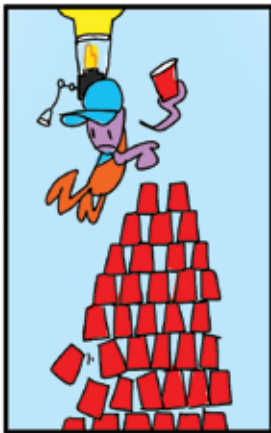
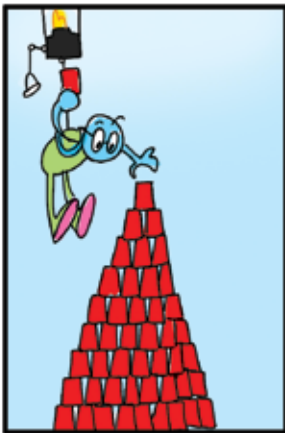


# تجربه‌شهر







بین تجربه‌های چقدر  
ناگهانی‌گری و خراب‌کاری  
داری؟



آها! فهمیدم. من هم  
فکر می‌کنم که تجربه‌هایم به  
نسبت کودکی متفاوت‌تر و  
البته بیشتر شده‌اند.

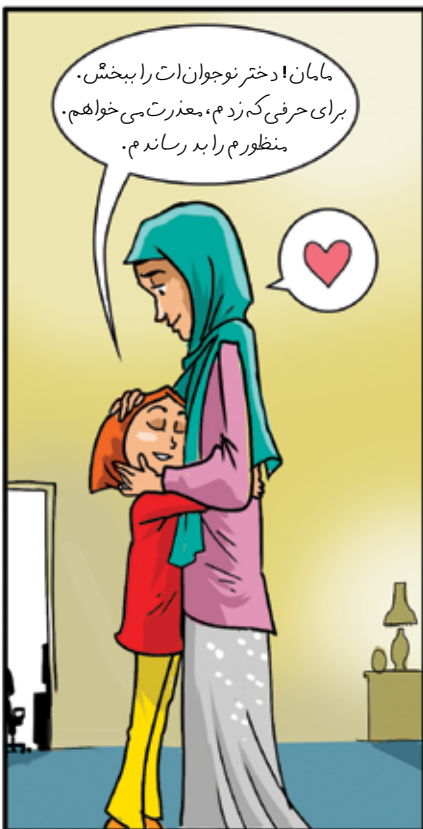
حدس بدی نبود.  
بین نوجوانی  
دوره افزایش  
تجربه‌هاست.  
هر کدام از این‌ها  
دارند تجربه‌های شان  
را بیشتر می‌کنند،  
ولی...



این‌ها دارند چکار  
می‌کنند؟

خودت چه فکر  
می‌کنی؟

انگار چیزی  
در حال زیاد  
و کم شدن  
است.



مامان! دختر نوجوان‌ات را ببخش.  
برای حرفی که زد، معذرت می‌خواهم.  
منظورم را بد رساندم.



من سعی می‌کنم  
تجربه‌های جدیدتری  
به دست بیآورم.

گاهی هم  
خطا دارم.

بالاخره دفعه  
آخر توانستم  
بچینه‌شان.



مهنون! این هم تجربه؟  
تجربه‌های بیشتر  
خوبی بود. بعد از این  
با خطای کم‌تر به  
دست بیآورم.

موفق باشی.



زیاد  
نیستند.

بالاخره آدم وقتی  
در حال بزرگ  
شدن است،  
استباه هم  
می‌کند.